

بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب معناشناسی شناختی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا*

فائقه ابراهیم پورنیک**

۱۱۹

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی طرح‌واره‌های تصویری حجمی، حرکتی و قدرتی مطرح شده توسط جانسون در میان آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در قرآن کریم می‌پردازد. پیکره ما سه سوره واقع، انسان، الرحمن و همچنین تمامی آیاتی است که الفاظ *جَنَّة*، *فردوس*، *روضه*، *عدن*، *دارالسلام*، *جهنم*، *جحیم*، *نار*، *سقر* و *سعیر* در آنان به کار رفته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله هستیم که سه طرح‌واره مذکور، به چه میزان در آیات مورد نظر به کار رفته است. همچنین از منظر زبانی بررسی می‌کنیم که واحدهای نمادین هر یک از طرح‌واره‌ها در پیکره مورد نظر کدامند. هدف پژوهش حاضر، نشان دادن نقش برجسته طرح‌واره‌های تصویری به عنوان ابزارهایی معناشناختی، در ملموس ساختن فضاهای انتزاعی-مانند دوزخ و بهشت- در ذهن بناگان است. پس از تحلیل داده‌ها، مشخص شد که طرح‌واره حرکتی با ۳۸ مورد بیشترین میزان و طرح‌واره قدرتی با ۸ مورد کمترین تعداد را در پیکره مورد نظر دارا می‌باشند و در این میان طرح‌واره حجمی ۳۷ مورد را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: طرح‌واره حجمی، طرح‌واره حرکتی، طرح‌واره قدرتی، دوزخ، بهشت.

ذهن

بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب...

akord@modares.ac.ir

* دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

faeqepoornik23@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۴

مقدمه

با رشد علوم شناختی در دهه‌های اخیر، توجه دانشمندان علوم شناختی به زبان‌شناسی و به‌ویژه معناشناسی جلب شد. حیطه علوم شناختی به بررسی نحوه کارکرد ذهن، چگونگی دریافت اطلاعات از محیط توسط حواس، نحوه پردازش آنها، و طبقه‌بندی و ذخیره این داده‌ها در حافظه می‌پردازد (Lobenz, 2002, p.171). معنی‌شناسی شناختی یکی از دو بخش عمده زبان‌شناسی شناختی است که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و در واقع واکنشی بود به معنی‌شناسی صدق و کذب که در زبان‌شناسی صورت‌نگار مطرح بود (راسخ‌مهند، ۱۳۹۴، ص ۳۸). در معنی‌شناسی شناختی، معنا پدیده‌ای ثابت نیست، بلکه سیال است؛ چراکه می‌توان از منظرهای گوناگون یک واژه یا جمله و یا موقعیت را معنا و تفسیر کرد؛ به عبارت دیگر، در این چارچوب، مفهوم همان معنای سیال است. ادعای اصلی معناشناسی شناختی نیز بر این است که در تحلیل معانی باید به مفهوم‌سازی‌ها توجه داشت. قائمی‌نیا در تأیید این ادعا به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان زبان را ساختاری ثابت و انعطاف‌ناپذیر در نظر گرفت. اگر معنا، مشخصه اصلی ساختار زبان است، پس آن ساختار هم انعطاف‌پذیر است (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، صص ۵۳ و ۱۹۸). یکی از مباحث کلیدی و مهم در معنی‌شناسی شناختی، بحث استعاره مفهومی است. این نظریه به واسطه پیوند عمیقی که با شناخت انسان و تجربیات روزمره او دارد، مورد توجه زبان‌شناسان نیز قرار گرفت. استعاره مفهومی میان دو حوزه عینی و انتزاعی نگاشت (Mapping) برقرار می‌کند. حوزه عینی، حوزه مبدأ است که از تجربیات روزمره انسان نشأت می‌گیرد و حوزه انتزاعی که همان حوزه مقصد است بر پایه عناصر موجود در حوزه مبدأ بیان می‌شود. بنابراین استعاره مفهومی نگاشت از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است و نه برعکس (راسخ‌مهند، ۱۳۹۴، ص ۶۱-۶۴). دیگر اینکه در استعاره مفهومی با نوعی جسمی‌شدگی مواجهیم. این جسمی‌شدگی را در طرح‌واره‌های تصویری که نخستین بار توسط جانسون (۱۹۸۷) مطرح شد، به وضوح می‌توان مشاهده کرد. مقاله حاضر به بررسی سه طرح‌واره حجمی (Containment)، حرکتی (Path) و قدرتی

(Force) در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در قرآن می‌پردازد. دوزخ و بهشت از آن جهت که در زندگی دنیایی تجربه نمی‌شوند، پدیده‌هایی انتزاعی محسوب می‌شوند که اگر اوصاف آنها در قرآن نیامده بودند، هیچ تصویری از آنان در ذهن خود نداشتیم. بسیاری از مفسران نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که قرآن حقایق غیبی و معنوی را در قالب امور حسی و مادی بیان می‌کند تا انسان - که تجربیاتش در عالم ماده است - آن را درک کند (حسینی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۰). علم زبان‌شناسی و به‌ویژه معناشناسی شناختی به عنوان شاخه‌ای از این علم، می‌تواند در درک بهتر و عمیق‌تر آیات قرآنی راهگشا باشد. قائمی‌نیا نیز معتقد است، زبان‌شناسی شناختی در تبیین اختلاف تعبیر، توانایی‌های بسیاری دارد و دستاوردش برای تفسیر بسیار مهم است (قائم‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۲). در این مقاله قصد داریم، جنبه‌ای از عینیت بخشیدن به پدیده‌های انتزاعی را در قالب طرح‌واره‌های تصویری به کار رفته در توصیف دوزخ و بهشت در قرآن کریم مورد بررسی قرار دهیم.

الف) پیشینه

پورا/براهیم برای اولین بار به بررسی استعاره‌های قرآنی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی پرداخته است. ایشان با در نظر گرفتن استعاره جهتی بالا و پایین نشان می‌دهد، در زبان قرآن، برخی مفاهیم انتزاعی، همچون قدرت، بیشتر و بهتر به کمک استعاره جهتی بالا مفهوم‌سازی می‌شوند و برخی دیگر از مفاهیم انتزاعی همچون ضعف، کمتر و بدتر به کمک استعاره جهتی پایین مفهوم‌سازی می‌شوند (پورا/براهیم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۵). طاهری و همکارانش در مقاله خود، طرح‌واره حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عقیده ایشان، می‌توان به کمک طرح‌واره‌های تصویری، بسیاری از مفاهیم انتزاعی و درونی و عرفانی را تبیین کرد و از طریق طرح‌واره حجمی بسیاری از رویاها، الهام‌ها و کشف و شهودهایی که مبتنی بر مفهوم حجم هستند، قابل درک می‌شوند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰).

پورا/براهیم در مقاله دیگری، به بررسی مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن بر اساس

نظریه استعاره مفهومی می‌پردازد و نشان می‌دهد که مفهوم زندگی در زبان قرآن به کمک چند مفهوم مبدأ، یعنی سفر، بازی، کالا و خانه تصویر شده است که هرکدام از این مفاهیم بر جنبه‌ای از مفهوم زندگی پرتو می‌افکنند (پوراابراهیم و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۲). خسروی و همکاران نیز طرح‌واره‌های تصویری را در معنی‌شناسی شناختی واژگان قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند. روش پژوهش آنها توصیفی-تحلیلی و با رویکرد قرآنی است. ایشان در مقاله خود در پی آن هستند که دریابند طرح‌واره‌های تصویری چه تاثیری در فهم بهتر قرآن دارند. ایشان دریافتند که خداوند برای فهم بهتر و آسان‌تر آیات الهی از روش‌های مختلف بهره جسته که یکی از این روش‌ها تصویرسازی به کمک طرح‌واره‌های تصویری است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۴-۹۶). ویسی و دریس به بررسی کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در رباعیات وحشی بافقی می‌پردازند. نتایج حاصل از بررسی ۶۶ رباعی وحشی بافقی نشان می‌دهد که در ۱۱۴ مورد از طرح‌واره‌های تصویری در خلق معنا استفاده شده است. به این ترتیب که طرح‌واره حرکتی با ۵۴٪ و در قالب افعالی نظیر گذشتن، شتافتن، رفتن، فرستادن و... بیشترین بسامد را دار می‌باشد. طرح‌واره‌ی حجمی با دلالت بر موضوعاتی همچون دام، عزلت‌گزینی در مکانی محصور و عمدتاً با غم و اندوه با ۳۲٪ و طرح‌واره‌های قدرتی با دربرگرفتن مفاهیمی همچون هجران و فراق با ۱۴٪ در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند (ویسی و دریس، ۱۳۹۴، ص ۱۷). مقیاسی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در **نهج البلاغه** که از متن قرآن الهام گرفته شده‌اند، می‌پردازد. به عقیده ایشان، امام علیه السلام در قالب طرح‌واره‌های تصویری، مفاهیم مجردی همچون دنیا، فتنه‌ها، مرگ، زندگی، پیروی و... را بیان می‌کنند. ضمن اینکه نوع کارکرد این طرح‌واره‌ها در **نهج البلاغه** در قالب اقتباس‌های مستقیم از آیات الهی نبوده، بلکه حضرت علیه السلام با الهام از شیوه بیان قرآن در طرح مفاهیم عقلی، به بازآفرینی معانی مجردی همچون ایمان، کفر، دین و... می‌پردازد (مقیاسی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷). قائمی و ذوالفقاری به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن می‌پردازند و نتیجه گرفته‌اند،

طرح‌واره‌های حرکتی، حجمی، قدرتی، موقعیت بالا و پایین، خطی، نزدیکی و دوری و موقعیت عقب و جلو در حوزه زندگی دنیوی و اخروی در قرآن به کار رفته است که بیشتر این طرح‌واره‌ها، از اجزای بدن انسان، موقعیت فیزیکی، تجارب جسمی انسان و نسبت او با سایر موجودات محسوس گرفته شده است (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

ب) طرح‌واره‌های تصویری

۱. چیستی طرح‌واره تصویری

جانسون (۱۹۸۷) در کتاب بدن در ذهن استدلال می‌کند، تجربه‌های بدن‌مند درون نظام مفهومی، طرح‌واره‌های تصویری را به وجود می‌آورند. طرح‌واره‌های تصویری، از تجربیات دریافتی و حسی نشأت می‌گیرند که نتیجه تعامل ما با جهان و محیط اطرافمان هستند. به عقیده مندلر، طرح‌واره‌های تصویری وقایع را به صورت ساده، انتزاعی و سه‌بعدی بازنمایی می‌کنند. آنها معانی‌ای را ایجاد می‌کنند که بنیان نظام مفهومی انسان را می‌سازد و در نتیجه یادگیری زبان ممکن می‌شود (Mendler, 2004, p.119). مندلر و کانواس معتقدند، طرح‌واره‌های تصویری تنها گشتالت‌هایی (Gestalts) نیستند که هدفشان برقراری نگاشت از یک ساختار ذهنی به ساختار ذهنی دیگر باشد، بلکه طرح‌واره‌های تصویری، ساختارهای ذهنی اولیه هستند (Mendler & Canovas, 2014, p.526). به عقیده کلاسندر و کرافت، آن دسته از مفاهیمی که به واسطه واژه‌ها در زبان بشر رمزگذاری می‌شوند، مجموعه‌ای تصادفی از مفاهیم نیستند، بلکه زیرمجموعه‌ای از ساختار شناختی بشرند (Canovas & Croft, 1999, p.26). گیبز و کلاستون، طرح‌واره‌های تصویری را بازنمایی فعال روابط و حرکات سه‌بعدی در فضا می‌دانند. به عقیده آنها، طرح‌واره‌ها در تمام وجوه ادراکی یافت می‌شوند و با تجربه‌های حسی - حرکتی ما هماهنگ هستند (Gibbs & Colston, 1995, p.30). گیبز همچنین به ماهیت انتزاعی این طرح‌واره‌ها اشاره می‌کند و بر این باور است، طرح‌واره‌های تصویری از تصاویر ذهنی بصری انتزاعی‌ترند (Gibbs, 2006, p.91). ایوانس نیز

معتقد است، طرح‌واره‌های تصویری از تجربه‌های ادراکی و حسی ما در تعامل با جهان نشأت می‌گیرند (Evans, 2006, p.178). به عقیده لیکاف و جانسون، مفاهیمی که در ذهن ماست در آنچه درک می‌کنیم، اینکه چگونه با جهان ارتباط برقرار می‌کنیم و چگونه آن را برای دیگران روایت می‌کنیم، نقش دارند (Lakoff & Johnson, 2003, p.8). ایشان همچنین متذکر می‌شوند، تنوع میان زبان‌ها و فرهنگ‌ها از جهانی بودن و بدن‌مند بودن طرح‌واره‌های اولیه نمی‌کاهند. در واقع همین ساختارهای جسمی و بدنی مشترک هستند که برای ما این امکان را فراهم می‌کنند که فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های مفهومی و عبارات نمادین آنان را درک کنیم (Lakoff & Johnson, 2002, p.252). بر مبنای کتاب لیکاف و جانسون، فهرست اصلی طرح‌واره‌های تصویری عبارتند از: طرح‌واره‌های حجم، مبدأ، مسیر مقصد، اتصال، کل-جزء، مرکز-حاشیه، تراز، بالا-پایین، جلو-عقب و چند طرح‌واره مرتبط با توانمندی-یعنی قدرت، انسداد، نیروی متقابل، جذب، فشار، مانع، انتقال و تغییر مسیر. اما از نظر لیکاف و جانسون، این فهرست را نمی‌توان بسته دانست و همواره امکان افزودن آنها هست (صفوی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۶).

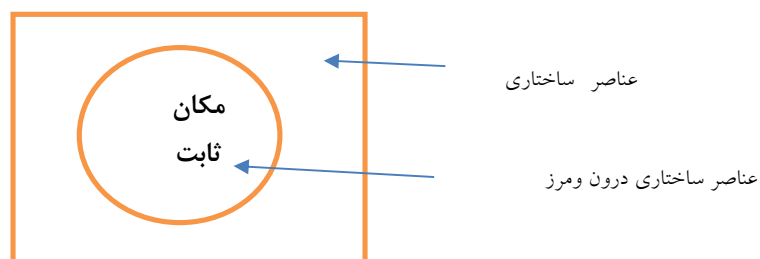
۲. انواع طرح‌واره‌های تصویری

۲-۱. طرح‌واره حجمی

انسان از طریق تجربه قرار گرفتن در مکان‌هایی که دارای حجم بوده و می‌توانند نوعی ظرف تلقی شوند -مانند اتاق، تخت، غار و خانه- بدن خود را نوعی ظرف دارای حجم در نظر می‌گیرد؛ در نتیجه طرح‌واره‌های انتزاعی از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید می‌آورد. فارسی‌زبانان برای فکر، حال خوش، گیر و دار و بسیاری واژه‌های دیگر که نمی‌توان برایشان حجم قائل شد، نوعی طرح‌واره حجمی در نظر می‌گیرند: رفته تو فکر؛ توی همین حال خوش بمان (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۴).

طرح‌واره حجمی، شامل عناصر ساختاری درون، مرز و بیرون است. این عناصر

پیش‌نیازهای درک طرح‌واره حجمی هستند (روشن، ۱۳۹۲، ص ۵۳).



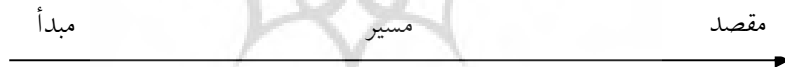
۲. طرح‌واره حرکتی

حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک، تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده تا طرح‌واره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود پدید آورد و برای آنچه قادر به حرکت نیست، چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد. حرکت دارای آغاز و پایانی است و می‌تواند در میان مسیر از نقاطی در حد فاصل میان دو نقطه آغاز و پایان برخوردار باشد (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۵): رسیدیم ته قصه؛ برای خرید این خانه حسابی افتادیم تو دست‌انداز.

طرح‌واره حرکتی شامل عناصر مبدأ، مسیر و مقصد است. از آنجاکه مسیر مسافتی است که در آن چیزی از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند، پس شامل یک نقطه شروع، یک نقطه پایان و نقطه‌ای است که مبدأ را به مقصد وصل می‌کند. این یک طرح‌واره پیچیده (complex) است که می‌توان به اجزا مشخص موجود در آنها اشاره کرد (روشن، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

مثال برای مبدأ: رضا تهران را ترک کرد؛

مثال برای مقصد: رضا به مشهد رفت.



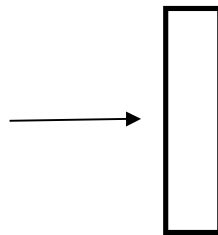
۳. طرح‌واره‌های قدرتی

گاهی در مسیر حرکت، نیروی مقاومت یا سدّی قرار می‌گیرد که انسان برحسب تجربیاتش، امکانات مختلفی در برخورد با این سدّ دارد.

۱-۳. نوع اول طرح‌واره قدرتی
در مسیر حرکت سدّی ایجاد شده که نتوان از آن گذشت و حرکت قطع شود.

✓ گرفتار مصیبتی شدم که نه راه پیش داشتن نه راه پس؛

✓ با ازدواجش راه ادامه تحصیل را به روی خود بست.



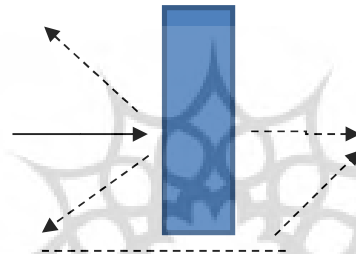
۲-۳. نوع دوم طرح‌واره قدرتی

این نوع دارای سه حالت است:

۱. مسیر را تغییر می‌دهد، ولی این تغییر مسیر به گذر از آن سد منجر نشود؛ اگر کنکور قبول می‌شود، مجبور نبودی بروی کار کنی.
۲. از کنار آن سد بگذرد و به راهش ادامه دهد؛ هرچور شده، باید این مشکل را دور بزنی.

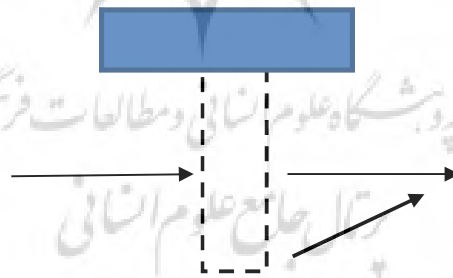
۳. با قدرت از میان آن سد عبور می‌کند؛ با هر بدبختی بود، کنکور را پشت سر

گذاشتم.



۳-۳. نوع سوم طرح‌واره قدرتی

- انسان سد را از مسیر حرکت بردارد و به حرکت ادامه دهد؛ هرچور شده باید این مشکل را از سر راهت برداری (صفوی، ۱۳۷۹، صص ۳۷۶-۳۷۸).



(ج) تحلیل داده‌ها

علاوه بر سه سوره واقعہ، الرحمن و دھر، سایر آیہ‌هایی که در آنها به بررسی طرح‌واره‌های تصویری می‌پردازیم، در این فهرست با ذکر نام سوره، شماره آیات و مکی و مدنی بودن آنها ذکر شده‌اند.

فهرست آیات توصیف‌کننده دوزخ			
شماره آیه	نام سوره	شماره آیه	نام سوره
۴۱	قصص (مک)	۱۲۶، ۱۱۹، ۱۰۴، ۳۹، ۷۴، ۸۱، ۱۶۷، ۱۷۵، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۵	بقره (مد)
۲۵، ۵۴، ۶۸	عنکبوت (مک)	۱۱۹، ۱۱۶، ۱۶، ۲۴، ۱۲، ۱۰، ۱۹۱، ۱۸۵، ۱۶۲، ۱۵۱، ۱۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲	آل عمران (مد)
۲۱	لقمان (مک)	۱۴، ۳۰، ۵۵، ۵۶، ۸۶، ۹۳، ۹۷، ۱۰، ۱۶۹، ۱۴۵، ۱۴۰، ۱۲۱، ۱۱۵	نساء (مد)
۱۳، ۲۰	سجده (مک)	۱۰، ۲۹، ۳۷، ۷۲	مائده (مد)
۶۴، ۶۶	احزاب (مد)	۱۲۸، ۲۷	انعام (مک)
۱۲	سبأ (مک)	۱۸، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۱۷۹	اعراف (مک)
۳۶	فاطر (مک)	۱۶، ۳۶، ۳۷، ۱۴	انفال (مد)
۶۳	یس (مک)	۱۷، ۳۵، ۴۹، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۸۱، ۱۱۳، ۱۰۹، ۹۵	توبه (مد)
۲۳، ۵۵، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۹۷، ۱۶۳	صافات (مک)	۸، ۲۷	یونس (مک)
۲۷، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۸۵	ص (مک)	۱۱۹، ۱۱۳، ۱۰۶، ۱۷، ۹۸، ۱۶	هود (مک)
۱۶، ۸، ۱۹، ۳۲، ۶۰، ۷۱، ۷۲	زمر (مک)	۱۸، ۳۵، ۵	رعد (مد)
۶، ۷، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴، ۹، ۶۰، ۷۲، ۷۶	غافر (مک)	۱۶، ۲۹، ۳۰، ۵۰	ابراهیم (مک)
۱۹، ۲۴	فصلت (مک)	۴۳، ۴۴	حجر (مک)
۷	شوری (مک)	۲۹، ۶۲	نحل (مک)
۷۴	زخرف (مک)	۱۸، ۳۹، ۶۳، ۹۷، ۸	اسراء (مک)

۱۰	جائیه (مک)	۱۰۶، ۱۰۲، ۱۰۰، ۲۹، ۵۲	کھف (مک)
۲۰	احقاف (مک)	۶۸، ۷۰، ۷۲، ۸۶	مریم (مک)
۱۵، ۱۲	محمد (مد)	۷۴	طہ (مک)
۴۷، ۵۶	دخان (مک)	۲۹، ۳۹، ۶۹، ۹۸	انبیاء (مک)
۱۳، ۶	فتح (مد)	۱۹، ۵۱، ۷۲، ۴	حج (مک)
۲۴، ۳۰	ق (مک)	۱۰۴، ۱۰۳	مومنون (مک)
۱۳	ذاریات (مک)	۵۷	نور (مد)
۱۸، ۱۴، ۱۳	طور (مک)	۱۲، ۳۴، ۶۵، ۱۱	فرقان (مک)
۴۸	قمر (مک)	۹۱	شعراء (مک)
۳۵، ۴۳	رحمن (مد)	۲۷، ۹۰	نمل (مک)
۷۱، ۹۴	واقعہ (مک)	۱۹، ۱۵	حدید (مد)
۱۴	انفطار (مک)	۱۷، ۸	مجادلہ (مد)
۱۶، ۷، ۸	مطففین (مک)	۱۷، ۲۰، ۳	حشر (مد)
۱۲	انشقاق (مک)	۱۰، ۶، ۹	تحریم (مد)
۱۰	بروج (مک)	۱۱، ۱۰، ۵، ۶	ملک (مک)
۱۲	اعلیٰ (مک)	۳۱	حاقہ (مک)
۴	غاشیہ (مک)	۲۵	نوح (مک)
۲۳	فجر (مک)	۱۵، ۲۳	جن (مک)
۲۰	بلد (مک)	۱۲	مزمّل (مک)
۱۴	لیل (مک)	۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۴۲	مدثر (مک)
۶	بینہ (مد)	۴	انسان (مک)
۹	قارعہ (مک)	۳۲	مرسلات (مک)
۶	تکائر (مک)	۲۱	نبا (مک)
۴، ۵، ۶	ہمزہ (مک)	۳۶، ۳۹	نازعات (مک)

۳	مسد (مک)	۱۲	تکویر (مک)
		۶،۳۶	فاطر (مک)
فهرست آیات توصیف‌کننده بهشت			
شماره آیه	نام سوره	شماره آیه	نام سوره
۴۰،۸،۹،۴۹	غافر (مک)	۳۵،۸۲،۸۵ ۱۱۱،۲۱۴،۲۲۱،۲۶۵،۲۶۶	بقره (مد)
۲۸،۳۰،۳۱،۴۰	فصلت (مک)	۱۳۳، ۱۸۵، ۱۴۲	آل عمران (مد)
۷،۲۲	شوری (مک)	۱۲۴، ۱۳	نساء (مد)
۷۰،۷۲	زخرف (مک)	۱۱۹، ۷۲	مائده (مد)
۵۴،۵۷	دخان (مک)	۱۲۷	انعام (مک)
۳۰،۳۴	جاثیه (مک)	۱۹،۲۲،۲۷،۴۰،۴۲،۴۳،۴۴،۴۶، ۱۸۴، ۴۹، ۵۰	اعراف (مک)
۱۶،۳۴، ۱۴	احقاف (مک)	۱۱۱، ۱۰۰، ۲۱، ۷۲، ۹	توبه (مد)
۱۵، ۶	محمد (مد)	۲۵، ۲۶، ۶۴	یونس (مک)
۳۱، ۳۴	ق (مک)	۱۱۹، ۱۰، ۲۳	هود (مک)
۲۰	طور (مک)	۲۳، ۳۵	رعد (مد)
۱۵، ۳۲	نجم (مک)	۲۳	ابراهیم (مک)
۷۲	الرحمن (مد)	۳۱، ۳۲	نحل (مک)
۲۲، ۸۹	واقعه (مک)	۹۱	اسراء (مک)
۱۲، ۲۱	حدید (مد)	۱۰۷، ۳۸، ۳۱	کهف (مک)
۱۶، ۲۲	مجادله (مد)	۶۳-۶۰	مریم (مک)
۲۰	حشر (مد)	۱۱۷، ۱۲۱، ۷۶	طه (مک)
۱۲	صف (مد)	۱۱، ۲۵، ۷۰	مومنون (مک)
۲	منافقون (مد)	۱۵، ۲۴، ۷۵، ۸	فرقان (مک)

۱۰، ۹	تغابن (مد)	۸۵، ۹۰	شعرا (مک)
۱۱	تحریم (مد)	۳۷	نمل (مک)
۱۷	قلم (مک)	۵۸	عنکبوت (مک)
۲۲	حاقہ (مک)	۱۵	روم (مک)
۳۵، ۳۸	معارض (مک)	۱۳	سجدہ (مک)
۱۳، ۲۱، ۱۲	انسان (مک)	۸، ۳۷، ۴۲، ۴۶	سبأ (مک)
۴۱	نازعات (مک)	۳۳	فاطر (مک)
۱۳	تکویر (مک)	۲۶، ۵۵، ۵۷	یس (مک)
۱۳	انفطار (مک)	۱۵۸، ۶۰	صافات (مک)
۲۴	مطففین (مک)	۵۰، ۵۵، ۷۶	ص (مک)
۶	ناس (مک)	۳۰	فجر (مک)
۱۱	بروج (مک)	۷۳، ۷۴	زمر (مک)
۲۰	بلد (مک)	۱۲	مزمل (مک)
۱۴	لیل (مک)	۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۴۲	مدثر (مک)
۶	بینہ (مد)	۴	انسان (مک)
۹	قارعه (مک)	۳۲	مرسلات (مک)
۶	تکائر (مک)	۲۱	نبا (مک)
۴، ۵، ۶	ہمزہ (مک)	۳۶، ۳۹	نازعات (مک)
۳	مسد (مک)	۱۲	تکویر (مک)
		۶، ۳۶	فاطر (مک)

۱. طرح‌واره حرکتی

در پیکرہ موردنظر از مجموع داده‌ها، ۳۸ مورد طرح‌واره حرکتی یافت شد کہ بیشترین

بسامد را در میان سه نوع طرح‌واره مورد بررسی به خود اختصاص داد.

از میان آیات دارای طرح‌واره حرکتی، حرف اضافه «الی» با بسامد ۹، بیش از همه نشانگر این نوع طرح‌واره است. نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم:

نمونه اول:

«...أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ» (البقره: ۲۲۱).

در این آیه خداوند می‌فرماید: با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز باایمان بهتر از زن مشرک است و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده باایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است. آنان شما را به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود، شما را به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند (بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۸۸). در این آیه، کلمه نار مجاز از جهنم است. کلمه «الی» به مسیر رسیدن به سوی بهشت و جهنم اشاره دارد؛ گویی بهشت و جهنم مقصد هستند که زنان و مردان مشرک به مسیر رسیدن به دوزخ دعوت می‌کنند و خداوند به مسیر رسیدن به بهشت دعوت می‌کند؛ به عبارتی دنیا، مبدأ و بهشت و جهنم، مقصد هستند. اما در این آیه به مسیر و مقصد اشاره شده است و مبدأ- یعنی دنیا- تلویحاً ادراک می‌شود.

نار-جَنَّة الی



نمونه دوم:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (البقره: ۱۲۶): و چون ابراهیم گفت، پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را هرکس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد، از فرآورده‌ها روزی بخش. فرمود: (ولی) هرکس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم و چه بد سرانجامی است (بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۷۸).

در این آیه نیز نار، مجاز از جهنم است. علاوه بر «الی»، فعل «أَضْطَرُّهُ» هم شاهدهی

دیگر بر حرکتی بودن این طرح‌واره است. عذاب جهنم، یک مقصد در نظر گرفته شده است که گناهکاران را به سمت آن می‌کشند. در واقع در این آیه، کافران در مسیری ترسیم می‌شوند که مسیر رسیدن به دوزخ است و خداوند آنان را در طول این مسیر با خواری به سمت دوزخ می‌کشاند؛ بنابراین هم به مسیر و هم به مقصد اشاره شده است.

عذاب نار

فعل‌های نشان‌دهنده طرح‌واره حرکتی به ترتیب بسامد، عبارتند از: عادَ (۲)، زَلَفَ (۲)، اَتَى (۲)، مَسَّ (۲)، نَالَ (۱)، بَاءَ (۱)، جَاءَ (۱)، وَجَدَ (۱)، رَسَلَ (۱)، رَجَعَ (۱). در طول مقاله، برای جلوگیری از تکرار صورت‌های تصریفی مختلف فعل، به ریشه هریک اشاره می‌کنیم.

ذکر این نکته ضروری است که برای تشخیص طرح‌واره‌ها، معنای اولیه و سرنمون واژه‌ها را با ارجاع به فرهنگ‌های لغت عربی - مانند قاموس قرآن و المنجد - مدنظر قرار داده‌ایم.

نمونه سوم:

«وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِفَتْ» (تکویر: ۱۳).

خداوند در آیه پیشین (وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ)، به زمانی اشاره می‌کند که آتش دوزخ برافروخته می‌شود و در این آیه نیز می‌فرماید: «آن‌گاه که بهشت فراپیش آید» (بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۰۲). در قاموس قرآن «زَلَفَ» به معنای نزدیک شدن آمده است (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۳). در این آیه، گویی بهشت یک شیء متحرک در نظر گرفته شده که به ما نزدیک می‌شود. همچنین مرفوع بودن لفظ جَنَّة در این آیه و لفظ جحیم در آیه قبل، فاعل بودن آنها را تأیید می‌کند.

بنابراین در آیه مورد نظر، نقطه متحرک، بهشت است و نقطه ثابت، ما هستیم که در واقع بهشت به سمت ما می‌آید؛ در واقع در این طرح‌واره، خود مبدأ، متحرک است نه اینکه چیزی از مبدأ به سمت مقصد حرکت کند؛ درحالی‌که در طرح‌واره‌هایی که از

«الی» استفاده می‌شود، چیزی از مبدأ به سمت مقصد حرکت می‌کند. ----->

انسان (مقصد ثابت)
جنة (مبدأ متحرک)

نمونه چهارم:

«يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (الرحمن: ۳۵): شعله‌ای از آتش بر شما فرستاده می‌شود و (نیز) دودی. آن‌گاه نمی‌توانید انتقام بگیرید» (ترجمه انصاری).

«شواظ» به معنی شعله‌های عظیم و سهمگین آتش است و «نحاس» به معنای مس مذاب و گداخته (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۳۹۷). ارسال به معنی فرستادن است؛ خواه پیامبر باشد یا باد یا عذاب یا معجزه و غیره (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۰). در این آیه، شعله‌های آتش و دودهای متراکم به سمت گروه جن و انس فرستاده می‌شود. در واقع آنها متحرک هستند و به سمت جن و انس که ثابتند، حرکت می‌کنند. واضح است که فرستادن و ارسال کردن، مستلزم حرکت است؛ به عبارت دیگر، فعل «يُرْسَلُ» یک فعل حرکتی است. در این حالت، شعله به چیزی تشبیه شده است که قابلیت فرستادن و حرکت غیرذاتی داشته باشد. مقصود از حرکت غیرذاتی، حرکتی است که در ذات پدیده موجود نیست و باید در آن به وجود آورد؛ مثلاً حرکت عادی شعله به سمت بالاست؛ درحالی‌که در اینجا حرکتی غیرطبیعی دارد که این حرکت از رهگذر تشبیه قابل توجیه است؛ بنابراین با طرح‌واره حرکتی روبه‌رو هستیم. ضمن اینکه در این طرح‌واره به مبدأ اشاره نشده است.

جن و انس شعله‌های آتش

در میان اسامی، کلمات سبیل (۲)، صراط (۲)، مَرَجَع (۱)، اولّین (۱)، آخرین (۱)، سابقون (۱) و مسبقین (۱)، نشان‌دهنده طرح‌واره حرکتی هستند که نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم:

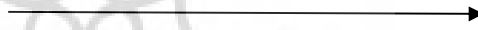
نمونه اول:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان: ۳): ما راه را به او نشان دادیم، خواه

شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس» (ترجمه فولادوند).

کلمه (هدایت) به معنای ارائه طریق است و نه رساندن به مطلوب. مراد از «سبیل»، مسیری است که آدمی را به غایت مطلوب برساند و غایت مطلوب، همان حق است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۳۴۳). در این آیه، هدایت خداوند به صورت راهی در نظر گرفته شده که خداوند آن را به بندگان نشان داده است. در واقع برای امر هدایت که یک پدیده انتزاعی است، مصداقی عینی - یعنی راه - به کار رفته است: «ما هدایت را که مثل راه بود، به آنها نشان دادیم». «سبیل» به مسیر و راه اشاره می‌کند، اما در این آیه، به مبدأ و مقصد اشاره‌ای نشده است.

سبیل

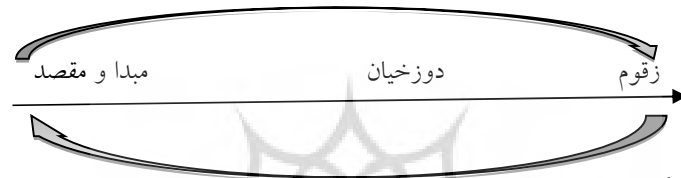


نمونه دوم:

«ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ: سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است!» (صافات: ۶۸).

مَرْجِع، مصدر میمی و به معنی رجوع است که ۱۶ بار در قرآن آمده است (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۶). غذای دوزخیان زقوم و نوشابه بعد از آن، آب جوشان است. اما بعد از این پذیرایی به کجا می‌روند؟ قرآن می‌گوید، بازگشت آنها به سوی دوزخ است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۶۹). در رابطه با این آیه، تفسیرهای مختلفی از جانب مفسران ارائه شده است. برخی مفسران، بازگشت دوزخیان به دوزخ را چنین تفسیر کرده‌اند که این آب داغ آلوده از چشمه‌ای در بیرون دوزخ است و دوزخیان را قبلاً برای نوشیدن آن همچون حیواناتی که به آبگاہ می‌برند، به آنجا می‌خوانند و بعد از نوشیدن آن، بار دیگر بازگشتشان به سوی دوزخ است؛ بعضی دیگر گفته‌اند، این اشاره به مواقع و جایگاه‌های مختلف دوزخ است که ظالمان و مجرمان را از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌برند تا از آن آب سوزان بنوشند و بعد آنها را به جایگاه اصلی‌شان بازمی‌گردانند (همان، ج ۱۹، ص ۷۳-۷۴). با توجه به معنای واژه مَرْجِع، گویی در این آیه

مبدأ و مقصد یکی است که نقطه ثابت محسوب می‌شوند و دوزخیان نقطه متحرک هستند. لفظ بازگشت، مفهوم حرکت را با خود همراه دارد. در این آیه نیز گویی دوزخیان از یک محل به محل دیگر در حرکت و رفت و آمدند. اما در عین حال، مفهوم حجم نیز از آن مستفاد می‌شود؛ به‌ویژه اگر تفسیر دوم - مبنی بر اینکه جهنم مواقع و جایگاه‌های متعدد دارد و دوزخیان در این جایگاه‌ها در رفت و آمدند - را بپذیریم.



نمونه سوم:

«نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» (واقعه: ۶۰): این ماییم که مرگ را بین شما مقرر کرده‌ایم و کسی نیست که از تقدیر ما سبقت بگیرد» (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۲۲۵).

در این آیه، تقدیر همان مرگ است که گویی در مسیر راه همواره پیش‌تر از سایر حاضران در مسیر -بندگان- در حرکت است و هیچ کس نمی‌تواند از این تقدیر -مرگ- در طول مسیر سبقت گیرد؛ به عبارت دیگر، تقدیر انسان که خداوند آن را مرگ قرار داده، از این نظر که سرنوشت بندگان است، مقصد و از این نظر که بندگان نمی‌توانند در طول مسیر از آن سبقت بگیرند، متحرک است. در واقع مرگ را که پدیده‌ای انتزاعی است، در چارچوب عینی - مسیر، حرکت و سبقت گرفتن - به کار برده است. تقدیر متحرک (با توجه به مفهوم سبقت)

نمونه چهارم:

«مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَ زَلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره: ۲۱۴): آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند

گفتند، پیروزی خدا کی خواهد بود؟ هشدار که پیروزی خدا نزدیک است (ترجمه فولادوند).

در اینجا تأکید بر روی قسمت اول آیه - یعنی به حرکت درآمدن سختی و زیان و لمس کردن - است؛ به این صورت که انسان، مانند مقصدی تصور شده است که سختی و زیان به سمت او حرکت کرده و او را لمس می‌کند. در این آیه، مصداقی برای مبدأ وجود ندارد.

انسان (مقصد) سختی‌ها و زیان (متحرک)

۲. طرح‌وارهٔ حجمی

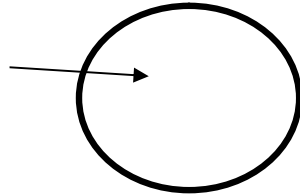
از مجموع، ۳۲ مورد طرح‌وارهٔ حجمی یافت شد که از این تعداد، شانزده مورد آن با حرف «فی» به کار رفته است که نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم. فعل‌های نشان دهندهٔ طرح‌وارهٔ حجمی به ترتیب بسامد عبارتند از: دَخَلَ (۵)، صَالَ (۵)، مَلَأَ (۲)، خَرَجَ (۲)، وَرَدَ (۲).

نمونهٔ اول:

«إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (صافات: ۱۶۳): مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می‌شوند!» (ترجمه فولادوند)

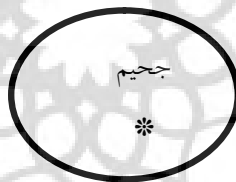
صال، اسم فاعل است و معنای ملازم و داخل می‌دهد (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۰). در این آیه، مقصد جحیم است و به مقصد اشاره شده است. در آیات قبلی، خداوند خطاب به کسانی که او را به باطل وصف می‌کنند - مثلاً خدا را داری فرزند دانسته و یا او را با جنیان پیوند داده‌اند (صافات: ۱۵۲-۱۵۸) - می‌گوید، شما و آنچه می‌پرستید، کسی را به گمراهی نمی‌کشانید، مگر آنان که به دوزخ وارد شونده‌اند. در نگاه اول، ممکن است این طور تصور شود که آیهٔ فوق دارای یک طرح‌وارهٔ حرکتی است. اما با کمی دقت می‌توان دریافت، معنای حجم و مکان در این آیه پررنگ‌تر است؛ چراکه خداوند دوزخ را مکانی دارای حجم ترسیم می‌کند که دیگران در آن وارد می‌شوند. در اینجا نیز جحیم در معنای دوزخ آمده است. اگر بخواهیم به عناصر طرح‌وارهٔ حجمی

اشاره کنیم، باید گفت که در این آیه، فعل صالّ در معنای وارد شدن، به عناصر مرزی و درونی اشاره می‌کند.



نمونه دوم:

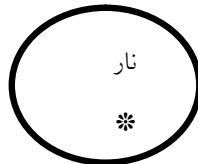
«وَإِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَحِيمٍ (انفطار: ۱۴): و بی‌شک بدکاران در دوزخند» (ترجمه فولادوند). نکره آمدن لفظ جحیم در این آیه و نعیم در آیه پیشین، بدین سبب است که عظمت آن نعمت و هول و هراس را برساند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۵۴۷). در این آیه نیز جحیم در معنای دوزخ به کار رفته و با توجه به حرف اضافه «فی» می‌توان گفت، برای دوزخ حجم در نظر گرفته شده است که مکانی برای بدکاران می‌باشد. با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده طرح‌واره حجمی، این آیه تنها به فضای درون اشاره دارد



نمونه دوم:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (بینه: ۶): به یقین کافران از میان اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند که در آن جاودانه خواهند بود. اینانند که بدترین آفریدگانند» (ترجمه انصاری). مطابق آیات گذشته کفار، اهل کتاب و مشرکان در انتظار این بودند که دلیل روشنی از سوی خداوند به سراغ آنها بیاید، ولی بعد از آمدن بینه، متفرق و پراکنده شدند و هرکدام راهی را پیش گرفتند. آیات مورد بحث به دو گروه کافران و مومنان در برابر این دعوت الهی و همچنین سرانجام کار هریک از آنها اشاره می‌کند که مشرکان در آتش دوزخ جاودان می‌مانند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۷، ص ۲۰۷-۲۰۸). واضح است که در این آیه نیز همچون آیه قبل برای آتش جهنم، حجم در نظر گرفته شده است که

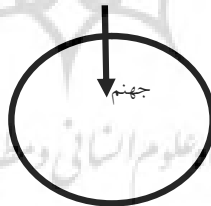
کافران و مشرکان در آن جاودانه می‌مانند. این آیه هم به فضای درون اشاره دارد و تنها کلید واژه نشان دهنده طرح‌واره حجمی در آن، حرف اضافه «فی» است.



نمونه سوم:

«ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا (اسراء: ۳۹): این (حکمت)، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی؛ درحالی‌که سرزنش شده و رانده خواهی بود» (ترجمه مکارم شیرازی).

در اینجا گویی دوزخ همچون گودالی ترسیم شده که گناهکاران در آن افکنده می‌شوند. این تصویر ذهنی -گودال- را فعل تُلْقَى به ذهن متبادر می‌کند که یکی از معانی آن انداختن است (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۰۲) و در این آیه در همین معنی به کار رفته است. ضمن اینکه حرف اضافه «فی» نیز حجمی بودن این طرح‌واره را تأیید می‌کند.



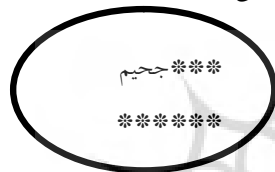
نمونه چهارم:

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (هود: ۱۱۹): اگر پروردگارت تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، درحالی‌که پیوسته در اختلافتند. مگر کسانی که پروردگارت تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت چنین تحقق پذیرفته که البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد (ترجمه بحرانی).

خداوند متعال، اهل اختلاف را خلق کرد، همچنان‌که اهل رحمت را خلق کرد؛

گروهی را به رحمت آفرید که ایشان نیکبختان‌اند و جایگاهشان بهشت جاوید است. همچنین قومی را به اختلاف و باطل آفرید که ایشان بدبختان‌اند و جایگاهشان دوزخ است.

مُلاً به معنی پرکردن، سیرکردن، نسخه پیچیدن، پرشدن، انباشتن، اکندن و باد کردن می‌باشد (معلوف، ۱۳۷۸، ۱۰۴۹). در اینجا جهنم فضای دارای حجمی در نظر گرفته شده که آن را از جن و انس پر می‌کنند. در این آیه هم به فضای درون اشاره شده است. کلید واژه این طرح‌واره نیز فعل مُلاً می‌باشد.



نمونه پنجم:

«يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ» (هود: ۹۸).

بخش آغازی آیه به این معناست که فرعون در قیامت، پیشاپیش پیروانش آمده و در نتیجه همه آنان را به لب آتش برده است. اگر مطلب آینده را به لفظ ماضی تعبیر کرده، برای این است که یقینی بودن وقوع آن را افاده کند و بفهماند که آمدن قیامت و پیشوا شدن فرعون برای قومش و رفتنشان در آتش، آن قدر حتمی و یقینی است که گویا واقع شده و شنونده آن را انجام شده حساب می‌کند. برخی نیز چنین تفسیر کرده‌اند، مردم آن زمان، امر فرعون را پیروی کردند و همین پیروی کردن، آنان را وارد آتش کرد. «ورد» به معنای آبی است که انسان و حیوان تشنه، به لب آن می‌آیند و از آن می‌نوشند.

مطابق نظر راغب در مفردات، کلمه «ورد» در اصل لغت به معنای قصد رفتن به سوی آب است و به تدریج در چیزهای دیگر استعمال شده است. در اینجا کلمه «ورد» به معنای آبی است که پس از تلاش انسان و حیوان و چرخیدنش به دنبال آن به گلویش می‌ریزد. در جمله مورد بحث، مجازگویی لطیفی به کار رفته است؛ چراکه آن هدف نهایی که جنس انسان در تلاش‌های خود منظور دارد را تشبیه کرده

به آبی که انسان‌های لب تشنه به دنبالش می‌چرخند و در نتیجه گوارایی و شیرینی رسیدن به هدف تشبیه شده به آن آبی که پس از تلاش بسیار به گلولی لب تشنه می‌رسد. اما پیروان فرعون، بعد از آنکه در اثر پیروی امر آن طاغی گمراه شدند، راه رسیدن به سعادت حقیقی‌شان را گم کردند و نتیجه قهری گم شدن راه این شد که به راهی افتادند که منتهی به آتش دوزخ می‌شد؛ پس آتش دوزخ همان وردی است که ورودشان به آن «ورد» خواهد بود که چه بسیار بد مورودی است؛ پس اگر آب خنک و گوارا مبدل به عذاب آتش شود، مورود- راه ورودی به لب آب- وردی بسیار بد خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۵۸۲-۵۸۳). بنابراین در این آیه، آتش دوزخ را به محل ورودی آب تشبیه کرده که دوزخیان بر آن وارد می‌شوند. واضح است که در این آیه نیز با طرح‌وارهٔ حجمی مواجهیم؛ چراکه قرآن کریم در قالب طنز و کنایه و با بازی با الفاظ ورد و مورد، آتش دوزخ را همان آبشخوری می‌داند که پیروان فرعون برای رفع عطش به دنبال آن بودند. «فَأُورِدَهُمْ» و کلمات «ورد» و «مورد» از واحدهای نمادین (Symbolic Units) این طرح‌واره هستند. با توجه به آیه می‌توان گفت، این نوع از طرح‌وارهٔ حجمی به نقاط مرزی و درونی اشاره کرده است.



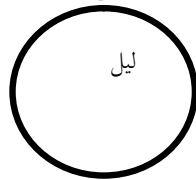
اسامی و صفات نشان دهندهٔ طرح‌وارهٔ حجمی عبارتند از: باب (۶)، ماواء (۵)، مَثْوَى (۳)، طویل (۱)، قریب (۱)، بعید (۱)، طویل (۱)، مملود (۱)، قُربی (۱).

نمونهٔ ششم:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (انسان: ۲۶): و در شبانگاه برای او سجده کن و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی!» (ترجمه فولادوند).

طویل به معنای آنچه دارای طول است (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۵) که در این آیه، صفت لیل است و در این صورت برای لیل طول و عرض -حجم- قائل شده

است که انسان درون این حجم -شب- به عبادت می‌پردازد. در واقع برای شب که دارای ابعاد نیست، طول و اندازه در نظر گرفته است.



نمونه هفتم:

«مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ» (آل عمران: ۱۹۷): [این] کالای ناچیز [و

برخورداری اندکی] است، سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد قرارگاهی است» (ترجمه فولادوند).

شأن نزول آیه آن است که در آن دوران، پیشه بسیاری از مشرکان مکه، تجارت بود و از این راه، ثروت قابل ملاحظه‌ای به دست آورده و در ناز و نعمت به سر می‌بردند؛ درحالی‌که مسلمانان در آن زمان، به دلیل شرایط خاص زندگی و از جمله مسئله مهاجرت از مکه به مدینه و محاصره اقتصادی از ناحیه دشمنان نیرومند، از نظر وضع مادی در شرایط بدی بودند. مقایسه این دو حالت این پرسش را برای برخی طرح کرده بود که چرا افراد بی‌ایمان در ناز و نعمت هستند و افراد با ایمان در رنج و فقر به سر می‌برند. در این شرایط، این آیه نازل شد و پرسش آنان را پاسخ داد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۲۵-۲۲۷).

«مهاده» از ریشه مهده و بر وزن فعال است. مهده به معنی آماده کردن است و گهواره را از آن جهت مهده گویند که برای بچه آماده شده است. خداوند نیز زمین را برای زندگی ما آماده کرده است (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۰۰). ترجمه‌های مختلفی از مهاده در این آیه صورت گرفته است. فولادوند آن را قرارگاه و خرمشاهی، آیتی، الهی قمشه‌ای، انصاریان، مجتبیوی و صادقی آن را آرامگاه دانسته‌اند. بهرام‌پور، خرم‌دل و مکارم شیرازی نیز آن را جایگاه معنی کرده‌اند. «ماوا» نیز به معنی پناه، پناهگاه و ملجأ است. هریک از این معانی را بپذیریم، معنای مکان از آن مستفاد می‌شود. اما در این آیه با توجه به اینکه کلیدواژه‌ها هر دو اسم هستند، به مکان به صورت یک کل اشاره می‌شود و نه به نقاط بیرونی، درونی و یا مرزی مکان.

به بیان ساده‌تر، جهنم به عنوان یک حجم تصویر شده است که جایگاه مشرکان است، ولی دقیقاً مشخص نشده است که مشرکان چه سهمی از این جایگاه را دارند؛ بنابراین جایگاه مشرکان، تمام اندازه جهنم را می‌تواند اشغال کند و از آنجایی که نشان دادن دو حجم مساوی در فضایی برابر با همان حجم ممکن نیست، از ایجاد نمودار برای این طرح‌واره صرف نظر می‌کنیم؛ چراکه هر اندازه جهنم را در ذهن گسترش دهیم، جایگاه مشرکان نیز به همان اندازه گسترش می‌یابد.

نمونه هشتم:

«ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ» (غافر: ۷۶).

در این آیات، سخن از کسانی است که در آیات الهی به مجادله برمی‌خیزند و در برابر دلایل نبوت و محتوای دعوت انبیاء، سر تسلیم فرود نمی‌آورند. در این آیه و آیات قبل از آن، سرنوشت چنین اشخاصی به طرز روشنی ترسیم شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۰، ص ۱۷۶). فضای ترسیم‌شده در این آیه نیز مانند نمونه‌های بالاست، به این ترتیب که جهنم را مکانی می‌داند که مجادله کنندگان در آیات الهی از درهای آن وارد می‌شوند و در آنجا جاودانند.

واحد‌های نمادین نشان دهنده طرح‌واره حجمی در این آیه، فعل دَخَلَ، اسامی باب، مَثْوًى و حرف اضافه فی است. در اینجا واژه باب به نقاط مرزی مکان و واژه‌های دَخَلَ، مَثْوًى و فی به درون مکان اشاره دارند.



نمونه نهم:

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (زمر: ۷۳): و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند، گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند، هنگامی که به آن می‌رسند، درحالی که درهای بهشت به روی آنان گشوده شده است و نگهبانان می‌گویند: سلام بر شما، گوارایتان باد این نعمت‌ها. داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید (ترجمه فولادوند).

جالب اینجاست که قرآن در مورد دوزخیان می‌گوید، هنگامی که به دوزخ می‌رسند، درهایش گشوده می‌شود، ولی در مورد بهشتیان می‌گوید، درهایش از قبل گشوده شده است و این اشاره به احترام و اکرام خاصی است که برای آنها قائلند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۹، ص ۵۵۴-۵۵۶). در واقع این آیه نشان می‌دهد، راه ورود به بهشت پاکی و پارسایی است و اینکه بهشت نیز مانند دوزخ درهای متعددی دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۰۵). بنابراین در این آیه، می‌توان عناصری از هر دو طرح‌واره حرکتی و حجمی را یافت؛ چراکه لفظ «الی» به کار برده شده است و همان‌طور که در تفسیر هم آورده شد، به مسیر و راه رسیدن به بهشت اشاره شده است. بنابراین بخش آغازی آیه، دارای یک طرح‌واره حرکتی است. ضمن اینکه «جاء» نیز که از واحدهای نمادین طرح‌واره حرکتی می‌باشد، در این آیه یافت می‌شود. بنابراین لفظ «الی» به مسیر اشاره دارد و لفظ جَنَّة به مقصد اشاره می‌کند و به مبدأ اشاره‌ای نشده است. در ادامه آیه نیز به درهای بهشت اشاره می‌کند که به روی بندگان گشوده می‌شود. جمله «و فتحت ابوابها»، حالیه است؛ یعنی تا آنکه به بهشت می‌رسند؛ درحالی‌که درها، برایشان باز شده است. منظور از جمله «خزنتها»، ملائکه‌ای هستند که موکل بهشت‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۲۹۷-۲۹۸). در این قسمت، خداوند بهشت را همچون مکانی برای بندگان ترسیم می‌کند که در دارد. الفاظ ابواب، فُتِحَتْ و فَادْخُلُوا نیز نشانگر طرح‌واره حجمی می‌باشند. در این آیه، کلمات فَتَحَ، باب و دَخَلَ به فضای مرزی و درونی طرح‌واره حجمی اشاره دارند.

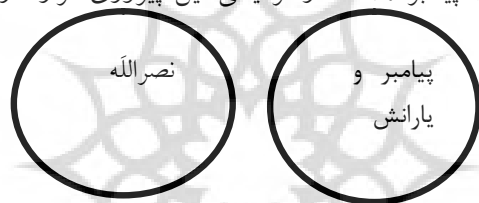
نمونه دهم:

«إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره: ۲۱۴): هشدار که پیروزی خدا نزدیک است» (ترجمه فولادوند).

مسئله قرب و بعد دو معنای نسبی هستند. اجسام حسب نسبت مکانی به آن دو متصف می‌شوند؛ مثلاً می‌گوییم، فلان چیز به ما نزدیک و آن دیگری از ما دور است. ولی در استعمال آن توسعه‌ای داده است و در زمان و غیرزمان هم استعمال کرده‌اند؛ مثلاً

می‌گویند، عدد سه به عدد چهار نزدیک‌تر است تا عدد پنج و باز توسعه بیشتری به استعمال آن می‌دهد و از اجسام و امور جسمانی هم تجاوز کرده و معانی و حقایق را هم با آن دو توصیف کرده‌اند؛ مثلاً می‌گویند، مسلمان بخیل، دورتر از کافر سخی نسبت به نجات است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۲۰۶).

در این آیه، پیروزی به عنوان یک حجم در نظر گرفته شده است که به یاران پیامبر ﷺ نزدیک است؛ به عبارت دیگر، پیروزی خداوند با کمک واژه قریب نوعی توصیف شده است که گویی فضایی را اشغال کرده و دارای حجم است و در جایی نزدیک ایستاده است. بنابراین می‌توان در نمودار، برای پیروزی خداوند یک حجم در نظر گرفت و برای یاران پیامبر ﷺ که در نزدیکی این پیروزی قرار دارند یک حجم دیگر در نظر گرفت



۳. طرح‌واره قدرتی

افعال نشان دهنده این طرح‌واره عبارتند از: صَدَّ (۳)، جَاهَدَ (۱)، وَرَثَ (۲)، حَرَّمَ (۱)، شَرَكَ (۱)، عَصَى (۱) و غَوَى (۱). نمونه‌هایی از آیات آن را ذکر می‌کنیم:

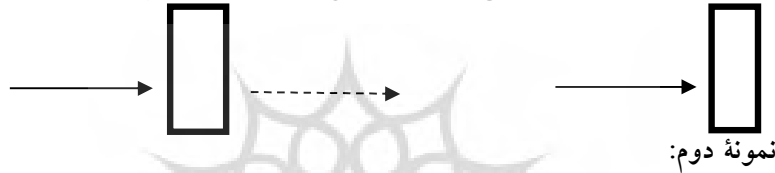
نمونه اول:

«فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بَجَهَنَّمَ سَعِيرًا (نساء: ۵۵): مردم آن روز نیز دو دسته شدند: بعضی به آن ایمان آوردند و بعضی راه ایمان آوردن دیگران را نیز بستند و جهنم برای سوزاندنشان بس است» (ترجمه فولادوند).

کلمه صد به معنای برگرداندن، منصرف کردن و جلوگیری کردن است. این آیه و آیات پیشین، درباره یهودیان گفته شده است؛ چراکه یهودیان نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه تمام تلاش خود را به کار بستند مرم را از ایمان آوردن به کتابی که خدا نازل فرموده باز دارند. جمله «و کفی بجهنم سعیرا»، تهدید یهود به آتش جهنم است، در مقابل اینکه از ایمان آوردن مردم به کتاب جلوگیری کردند و علیه رسول خدا ﷺ و

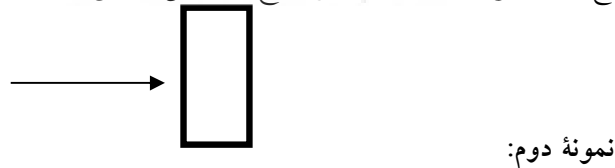
مومنین آتش فتنه برمی‌افروختند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۷۷-۳۷۸).

بنابراین در این آیه، با طرح‌واره قدرتی روبه‌رو هستیم. یهودیان مانع هستند و راه گذر از مانع، ایمان به خداوند و تسلیم نشدن در مقابل فتنه‌های یهودیان است. طبق این آیه، عده‌ای ایمان آوردند و عده‌ای نیز -یهودیان- مانع ایمان آوردن دیگران شدند که به فرمایش خداوند در قرآن، جهنم برایشان کافی است؛ پس برای کسانی که ایمان آوردند، با طرح‌واره قدرتی نوع دوم مواجه هستیم و برای کسانی که نتوانستند از سدّ فتنه‌های یهودیان گذر کنند، با طرح‌واره قدرتی نوع اول مواجه هستیم.



فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ«عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (طه: ۱۲۱): آن‌گاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بی‌راهه رفت (ترجمه فولادوند).

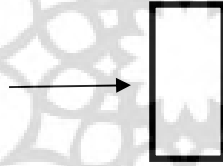
در اینجا خداوند به داستان آدم علیه السلام و حوا و دشمنی ابلیس با آنان اشاره می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۳۲۲). بنابراین شیطان و وسوسه‌هایش مانعی است برای آدم علیه السلام و حوا در بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی. راه گذر از مانع، گوش نکردن به وسوسه‌های شیطان است. اما آدم علیه السلام و حوا مغلوب وسوسه‌هایش شده و از آن میوه ممنوعه خوردند؛ بنابراین در این آیه هم با نوع اول طرح‌واره قدرتی روبه‌رو هستیم؛ زیرا از مانع عبور نمی‌شود. کلیدواژه این طرح‌واره، فعل «عَصَى» است.



فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ

أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (توبه: ۸۱): تخلف جویان (از جنگ تبوک)، از مخالفت با رسول خدا ﷺ خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و- به یکدیگر و به مؤمنان- گفتند: «در این گرما، (به سوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرم‌تر است!» اگر می‌دانستند! (ترجمه فولادوند).

در اینجا کفر ورزیدن به خدا مانعی در راه هدایت خداوند است (توبه: ۸۰). راه گذر از مانع جهاد کردن مؤمنان در راه خدا با اموال و جان‌هایشان است. اما در این آیه به کسانی اشاره می‌کند که در راه خدا جهاد نکردند و با بهانه‌های مختلف دیگران را نیز از جهاد در راه خدا برحذر داشتند که خداوند آتش دوزخ را به آنان وعده می‌دهد. در اینجا هم از مانع گذر نشده و با طرح‌واره قدرتی نوع اول مواجه هستیم. کلیدواژه این طرح‌واره، فعل «جاهد» است.



لازم به ذکر است، علاوه بر طرح‌واره قدرتی، طرح‌واره حرکتی هم در این آیه دیده می‌شود؛ زیرا جهاد برای خداوند، همچون یک راه و مسیر در نظر گرفته شده که مجاهدان در آن راه حرکت می‌کنند.

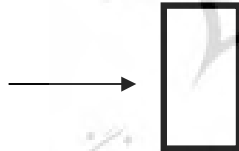
نمونه سوم:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (مائده: ۷۲).

خداوند در این آیه و آیات بعد، از انحرافات مسیحیان سخن می‌گوید. مهم‌ترین انحراف مسیحیت، مسئله الوهیت مسیح و تثلیث معبود است. خداوند می‌فرماید: به طور مسلم آنها که گفته‌اند، خدا همان مسیح بن مریم است، کافر شدند؛ درحالی‌که خود

مسیح ﷺ با صراحت به بنی اسرائیل گفت: «خداوند یگانه را پرستش کنید که پروردگار من و شماست». بدین ترتیب بیزاری‌اش را از هرگونه شرک و غلو در مورد خویش نفی کرد و خود را همانند دیگران مخلوقی از مخلوقات خدا معرفی کرد. همچنین مسیح ﷺ برای تأکید این مطلب و رفع هرگونه ابهام و اشتباه، اضافه کرد، هرکس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه او آتش است. برای تأکید بیشتر و اثبات اینکه شرک و غلو ظلم آشکاری است به آنها گفت، «برای ستمگران و ظالمان هیچ‌گونه یار و یآوری وجود نخواهد داشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۳-۳۵).

در اینجا خداوند، شریک قرار دادن برای خود را مانعی در راه رسیدن به بهشت دانسته است. راه‌گذر از مانع پرستش خداوند و شریک قائل نشدن برای اوست. در این آیه، خداوند کسانی را که مسیح پسر مریم را خدا انگاشتند، کافر می‌داند و آنان را از بهشت خود محروم می‌کند؛ بنابراین در این آیه، با طرح‌وارهٔ قدرتی نوع اول مواجهیم؛ چراکه مسیحیان با شریک قائل شدن برای خدا از مانع‌گذر نکرده‌اند. واحدهای نمادین این طرح‌واره، افعال «شَرَك» و «حَرَمَ» می‌باشند. ضمن اینکه در بخش پایانی آیه (وَمَا وَاهُ النَّارُ) نیز با یک طرح‌وارهٔ حجمی روبه‌رو هستیم.

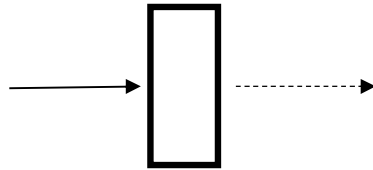


نمونهٔ چهارم:

قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (اعراف: ۴۳). می‌گویند، ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد، ما خود هدایت نمی‌یافتیم. در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید، میراث یافته‌اید (ترجمه فولادوند).

در آیات قبل، خداوند دروغ بستن به آياتش توسط کافران را مانعی در راه رسیدن

به بهشت دانسته است (اعراف: ۴۰). راه گذر از مانع و رسیدن به بهشت، ایمان آوردن به خدا و انجام اعمال شایسته است (اعراف: ۴۲). در این آیه به مؤمنان اشاره می‌کند که از این مانع گذر کرده‌اند و در برابر اعمال شایسته خود، بهشتی را که پیامبران به آنان وعده داده بودند، به ارث بردند؛ بنابراین با نوع دوم طرح‌واره قدرتی مواجه هستیم که با قدرت از میان سد گذر عبور کرده‌اند.



نتیجه‌گیری

با بررسی داده‌ها دریافتیم، از مجموع آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در قرآن، ۲۲٪ از آیات دارای طرح‌واره بودند که در این میان بیشترین میزان مربوط به طرح‌واره حرکتی با ۱۰٪ و کمترین میزان مربوط به طرح‌واره قدرتی با ۲/۵٪ است. طرح‌واره حجمی نیز ۹/۵٪ را به خود اختصاص داد. با نتایج به دست آمده می‌توان این مسئله را تأیید کرد که خداوند در قرآن کریم برای توصیف دوزخ و بهشت و مجسم ساختن آن در ذهن بندگانی که این فضاها را به چشم ندیده‌اند، از مصداق‌های عینی و ملموسی که روزانه با آنان سروکار دارند، استفاده می‌کند. بنابراین دوزخ و بهشت را به عنوان مکان‌هایی معرفی می‌کند که در و دربان دارند.

همچنین برای هریک، مسیر و راهی هست که بندگان- بسته به اعمال خود- در مسیر دوزخ یا بهشت قرار می‌گیرند. درون بهشت نهرهای روان، درختان میوه، تکیه‌گاه‌ها، لباس‌های حریر و زیبارویان حضور دارند؛ درحالی‌که در دوزخ آتش، گودال و آب جوشان برای رفع تشنگی وجود دارد. بنابراین به کمک طرح‌واره‌ها، می‌توان به خوبی نشان داد که در توصیف دوزخ و بهشت تا چه اندازه از عناصر موجود در زندگی روزمره الهام گرفته شده تا تصویری از این پدیده‌ها در ذهن بندگان شکل گیرد. در پایان انواع طرح‌واره‌ها و میزان کاربرد هر طرح‌واره در پیکره موردنظر، به همراه واحدهای نمادین هر طرح‌واره و بسامد کاربرد آن‌ها را در جدول زیر ارائه می‌دهیم:

نوع طرح‌واره	تعداد	درصد
حرکتی	۳۸	٪۱۰
حجمی	۳۷	٪۹/۵
قدرتی	۸	٪۲/۵
مجموع	۸۳	٪۲۲

طرح‌واره حرکتی		طرح‌واره حجمی		طرح‌واره قدرتی	
عَادَ	۲	دَخَلَ	۵	صَدَّ	۳
زَلَفَ	۲	صَالَ	۵	عَصَى	۱
مَسَّ	۲	خَرَجَ	۲	غَوَى	۱
اتَى	۲	مَلَأَ	۲	وَرِثَ	۲
نَالَ، جَاءَ، رَسَلَ، رَجَعَ	۱	وَرَدَ	۲	حَرَّمَ	۱
سَبِيلَ	۲	بَابَ	۶	جَاهَدَ	۱
صِرَاطَ	۲	مَأْوَاءَ	۵	شَرَكَ	۱
مَرَجَعَ	۱	مَثَوَى	۳		
اولین، آخرین، سابقون، مسبوقین، قُربی	۱	قُرب، بعید، طویل، ممدود	۱		
الی	۹	فی	۱۶		

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. بحرانی، سید هاشم؛ تفسیر روایی البرهان؛ ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشیا؛ تهران: کتاب صبح - نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۸۸.
۲. پورابراهیم، شیرین و همکاران؛ «بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/ پایین در زبان قرآن: رویکرد معنی‌شناسی شناختی»؛ انجمن زبان و ادبیات عربی، ش ۱۲، پاییز ۱۳۸۸، ص ۵۵-۸۲.
۳. پورابراهیم، شیرین؛ «مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن»؛ زبان پژوهی، ش ۱۰، بهار ۱۳۹۳، ص ۶۳-۸۳.
۴. حسینی، سیده مطهره و علی‌رضا قائمی‌نیا؛ «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»؛ ذهن، ش ۶۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۷-۵۲.
۵. خسروی، سمیرا و همکاران؛ «بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن»؛ پژوهش‌های ادبی قرآنی، ش ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۹۴-۱۱۲.
۶. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۷. راسخ‌مهند، محمد؛ درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
۸. روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی؛ مقدمه‌ای بر معنی‌شناسی شناختی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۲.
۹. صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنی‌شناسی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۰. طاهری، معصومه و همکاران؛ «طرح‌واره حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی»؛ پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ش ۲، تابستان ۱۳۹۱،

۱۵۰

ذهن

پاییز ۱۳۹۸ / شماره ۷۹ / عالیه کرد زعفرانلو کامپوزیت، فائقه ابراهیم پورنیک

ص ۱۴۱-۱۶۲.

۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین؛ **تفسیر المیزان**: ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۴.

۱۲. قائمی‌نیا، علیرضا؛ «زیان‌شناسی شناختی و مطالعات قرآنی»؛ **ذهن**، ش ۳۰، تابستان ۱۳۸۶، ص ۳-۲۶.

۱۳. _____؛ **معناشناسی شناختی قرآن**؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۴. قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری؛ «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن»؛ **فصلنامه پژوهش‌های ادبی**، ش ۳۰، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱-۲۲.

۱۵. قرائتی، محسن؛ **تفسیر نور**؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.

۱۶. قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ **قاموس قرآن**؛ تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۴.

۱۷. گیررتس، دیرک؛ **نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی**؛ ترجمه کوروش صفوی؛ ج ۲، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۵.

۱۸. معلوف، لوئیس؛ **المنجد الطلاب**؛ ترجمه محمد بندر ریگی؛ تهران: نشر اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۹. مقیاسی، حسن؛ «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه»؛ **پژوهشنامه نهج البلاغه**، ش ۱۴، تابستان ۱۳۹۵، ص ۹۳-۱۰۸.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۶.

۲۱. ویسی، اخلاص و فاطمه دریس؛ «کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در رباعیات وحشی بافقی از دیدگاه معنی‌شناسی»؛ **زیبایی‌شناسی ادبی**، ش ۲۳، بهار ۱۳۹۴، ص ۹-۲۶.

22. Clausner, Timothy & William Croft; "Domains and image

- schemas"; **Cognitive linguistics**, Vol.10, 1999, pp.1-32.
23. Evans, Vyvyan; **Cognitive linguistics**; Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006.
24. Gibbs, Raymond & Herbert Colston; "The cognitive psychological reality of image schemas and their transformations"; **Cognitive Linguistics**, Vol.6, No.4, 1995, pp.347-378.
25. Gibbs Jr, Raymond; **Embodiment and cognitive science**; Cambridge: Cambridge University Press, 2006.
26. Johnson, Mark; **The body in the mind**: The bodily basis of reason and imagination; Chicago: University of Chicago Press, 1987.
27. Johnson, Mark & George Lakoff; "Why cognitive linguistics requires embodied realism"; **Cognitive linguistics**, Vol.13, No.3, 2002, pp.245-264.
28. Lakoff, George & Mark Johnson; **Metaphors we live by**; 2nd, Chicago: University of Chicago Press, 2003.
29. Langacker, Ronald; **Foundations of cognitive grammar**: Theoretical prerequisites; Vol.1, Stanford: Stanford University Press, 1987.
30. Lobner, Sebastian; **Understanding semantics**; London: Arnold, 2002.
31. Mandler, Jean Matter; **The foundations of mind**: Origins of conceptual thought; New York: Oxford University Press, 2004.
32. Mandler, Jean Matter & Cristobal Pagan Cánovas; "On defining image schemas"; **Language and Cognition**, Vol.6, No.4, 2014, pp.510-532.